



# طالبان سفیران امروز دموکراسی غربی

سهند حسینی

بی گمان در میان تحولات دنیای امروز و از میان تصاویر اخبار و اتفاقات، تصاویر گله ای شیخ پشم الدین سوار بر یک جت خصوصی، برای مذاکره بر سر آینده افغانستان با نمایندگان دول فخیخ غربی، زخمی خود را به اذهان تحمیل کرد. قرار است به ما بقبولانند این گله آدم کش و عهد عتیقی تنها گزینه های مطلوب دولتهای فخیمه دموکرات برای تضمین امنیت و ثبات و آرامش و ایجاد دموکراسی در افغانستان هستند. اینها سفیران دست و دلپاکی هستند که مدتهاست، «متمدن» شده اند و قرار است اجازه حضور محدود دختران در مدارس، البته به شرطی که منع شرعی نداشته باشد، سند و پاسپورت ورود این وحوش به باغ وحش «دول متمدن» و «جامعه جهانی» شود. ... صفحه ۲

## فصل تعیین تکلیف با حاکمیت

آسو فتوحی



حداقل سطح دستمزد سال ۱۴۰۱ نیز به روال همیشگی با بالماسکه هر ساله جمهوری اسلامی تعیین گردید. بر کسی هم پوشیده نیست که در این رابزنی فصل تعیین حداقل دستمزدها، نمایندگان واقعی کارگران نه سهیم می شوند و نه دخیل هستند، برعکس... رسانه های دولتی و حکومتی نیز با تیت درشت به عناوین مختلف به جوانب مختلف این مسئله به غیر از واقعیت درونی آن و اوضاع جامعه پرداخته اند. چندی قبل از این تعرض آشکار به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر هم شاهد هیاهوی حاکمیت در خصوص برنامه دولت برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، که توسط سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه اعلام شده بود، بودیم و ... صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

# حکمتیست

هفتگی ۳۹۳

۲۷ ژانویه ۲۰۲۱ - ۷ بهمن ۱۴۰۰

## پشت هیاهوی بحران اوکراین

امان کفا

افزایش نیروهای نظامی در مرزهای اوکراین، تنش ها در این منطقه را شدت بخشیده است. در حالیکه روسیه نیروهای خود را به مرز اوکراین و بلاروس کشیده است، متقابلا آمریکا و ناتو، جنگ افزارها و سلاح و مهمات را به اوکراین و کشورهای هم جوار آن، در جنوب و غرب، گسیل داده اند. از طرفی روسیه در میدیای رسمی خود از خطر حمله اوکراین و ناتو به روسیه ابراز نگرانی می کند و از طرف دیگر آمریکا و شرکا و میدیای رسمی غرب، دم از «خطر اشغال اوکراین»، نیاز کمک به اوکراین در مقابل حمله نظامی روسیه به اوکراین و «خطر» چنین حمله ای برای کل دنیا می زنند. هر دو طرف، دیگری را به بهانه جویی برای گسترش نفوذ خود «متهم می کنند»، برای هم خط و نشان می کشند و بر طبل تبلیغات جنگی میکوبند.

علیرغم تنش و حضور و گسیل نیروهای نظامی و مانورهایی که طرفین انجام میدهند، که می تواند جنگی ناخواسته را محتمل کند، اما تمامی شواهد و علائم حاضر، حاکی از این است که هیچکدام از طرفین و مهمتر از آن دول اروپایی خواهان بروز چنین جنگی نیستند. این تنش و تبلیغات جنگی بر خلاف ادعای آمریکا و دستگاه تبلیغاتی آن نه فاع از اوکراین و «تمامیت ارضی» آن، نه وجود ناسیونالیسم فاشیستی و فساد رایج در اوکراین، نه «دفاع از دموکراسی» و نه خواست های واقعی مردم در اوکراین و ... نبوده و نیست. این نزاع زاده شده دو طرف بر سر مسائل و معضلات دیگر در شرایط معین دنیای چند قطبی امروز است.

روسیه با در نظر گرفتن تنش های درونی و مشکلات هیئت حاکمه آمریکا، بخصوص با توجه به موقعیت نظامی رو به افول آمریکا پس از خروج از افغانستان، شرایط را برای امتیازگیری از آمریکا مناسب دیده است و مشخصا خواست دیرینه خود در محدود کردن نفوذ ناتو در شرق اروپا را دنبال می کند. کاخ سفید از طرف دیگر با این تنش و دامن زدن به فضای جنگی، خواهان کشاندن اروپا و دیگر متحدین سنتی خود برای رسمیت دادن به نقش ژاندارمی بین المللی خود و بهبود موقعیت لطمه خورده خود در غرب است.

در میان قطب های دیگر، چین خواهان انزوای بیشتر آمریکا و کاهش نظامی آن است. مستقل از بریتانیا که نه تنها سابقه، بلکه بنا به موقعیت فعلی هیئت حاکمه آن بیشتر به نزدیکی با آمریکا تمایل دارد، اما اتحادیه اروپا، در مقابل هرگونه جنگی به شدت مقاومت می کند و این را رسما اعلام کرده اند. ... صفحه ۲



پیگت  
اعتراضی  
در لندن

همبستگی  
با اعتصاب  
زندانیان  
سیاسی در  
ایران

# آزادی برابری حکومت کارگری

## پشت هیاهوی بحران اکرین...

تحمیل جنگ به دول اروپایی، آنهم در درون اروپا، جنگی که پایان آن معلوم نیست به راحتی تحمیل حمله به عراق و افغانستان نیست و دول اروپایی به آن تن نخواهند داد. عدم استقبال دول اروپایی از این فضای جنگی، تلاش برای آرام کردن اوضاع، پی کشیدن راههای سیاسی برای تخفیف تنش همه و همه حاکی از این مقاومت در برابر ماجراجویی نظامی آمریکا در اروپا است. ارسال کمکهای نظامی ناچیز به اوکراین که برای جنگی یکروزه هم کافی نیست، اساسا برای خالی نبودن عریضه است. ایده اروپای واحد با تاکید بر تضمین جلوگیری از جنگ در این منطقه به مردم فروخته شده بود و بروز جنگ میتواند اساس این اتحاد را با بحران های سیاسی مواجه کند. تعیین سیاست نظامی اتحادیه اروپا به معنای قبول آن سیاست از جانب نه اکثریت بلکه تمامی کشورهای این اتحادیه و تصمیم اشتراکی همگی شان است و در حال حاضر چنین توافقی برای درگیری نظامی آنهم در دل اروپا وجود ندارد. و بالاخره، میزان پیشروی چه روسیه و چه آمریکا مسلما بر درجه نفوذ هریک در میان کشورهای مرتبط و حوزه خودشان تأثیرات مضاعفی را برای دوره طولانی تری بدنبال خواهد داشت. به این ترتیب، گرچه در واقع نه روسیه و نه آمریکا خواهان جنگ میان خود نیستند، اما بوجود آوردن و دامن زدن به این فضای جنگی، برای هر دو طرف منافعی را در بر دارد. هم بایدن و هم پوتین، هراتب نیازمند پاسخگویی به موقعیت خود و معضلات و بحران های درونی خود، بالاخص در دوره پس از کرونا و تورم رو به افزایش و مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی کشورهای خود هستند. هر دو تلاش دارند با این فضای جنگی، با جار و جنجال و هیاهو حول «پیروزی» و تحمیل «عقب نشانی» به رقیب، موقعیت خود را در مقابل مردم معترض هم آمریکا و هم روسیه تقویت کنند. اما نه مردم آمریکا و نه مردم روسیه به گواه میدیای حاکم، اینبار به این تلاش، نه واقعی گذاشته و نه بر میزان مقبولیت پوتین یا بایدن تأثیری داشته است. پوچی ترساندن مردم در غرب از «غول» روسیه و یا خواست «نابودی روسیه» توسط آمریکا مدت هاست که دیگر قادر به بسیج افکار عمومی نبوده و همه جا به سخره گرفته می شود.

امروز بیش از گذشته معلوم است که این نزاع تنها بهانه ای در رقابت های وسیع تر میان قطب های جهانی است. بوجود آوردن بحران پشت بحران برای منحرف کردن اذهان جامعه از معضلات پایه ای در درون این کشورها و ناتوانی بورژوازی حاکم در تمام این کشورها از پاسخگویی و ارائه راه حل های اساسی و با ثبات در مقابل شرایط وخیم اقتصادی و اجتماعی در دنیای واقعی این مردم می باشند. امروز دیگر همه می دانند که نه پیشروی آمریکا و نه روسیه و نه هیچک از قطب های جهانی، با هر علم و کتلی و با هر ادعا و هیاهویی، بهبودی برای مردم را بدنبال نخواهد داشت و برعکس بر معضلات اقتصادی و سیاسی می افزاید و همین امر، همین خودآگاهی جامعه بشری است که دنیای امروز را با دوره های پیش متفاوت کرده است.

ارتجاع حاکم در تمامی این قطب ها، از اروپا تا چین، از روسیه تا آمریکا، امروز بی راه حل تر از همیشه، در مقابل مردمی که کل این دستگاه های حاکم و سیاستمداران آنرا بی اعتبارتر از همیشه می بینند، پشت به دیوار ایستاده اند. نمایش جنگ افزارها و سلاح های کشتار دستجمعی و مانورهای نظامی، نه پاسخگو بلکه خود نشان از تناقض بیش از پیش نظام حاکم به زندگی و خواست های مردم دنیای امروز است.

## طالبان سفیران امروز...

می گویند باید قبول کرد که اینها واقعا «متمدن» و اهلی شده اند و گزارشهایی از چگونگی زندگی و حمام رفتن و نظافت اینها را در اخبار و گزارشات حماسی بی بی سی و دیگر میدیای غربی به وفور می توان دید. تلاش جانانه غرب و بنگاههای خبری و ... برای قالب کردن این جانوران تا مغز استخوان پوسیده، این آدمکشهای حرفه ایی به عنوان تنها گزینه های مطلوب برای حاکمیت در افغانستان بیش از حد زننده و مشمئز کننده است. تلاش میکنند حاکمیت طالبان را ضامن برقراری صلح قلمداد کرده و به بشریت متمدن حقه کنند که افغانستان جز دو راه در مقابل خود ندارد، یا طالبان یا انفجار، قتل و کشتار و سیه روزی برای مردم افغانستان. در دنیای واقعی اما باید پرونده بیش از بیست سال جنگ و جنایت، بیش از بیست سال ترور و تحمیل عقب مانده ترین باندها و گانگسترهای سیاسی دست ساز غرب را، به قیمت تباهی زندگی میلیونها انسان در افغانستان، هرچه سریعتر بست. مذاکرات اسلو و «تلاش بین المللی برای بازگشت صلح و امنیت به افغانستان» اسم رمز هضم دوباره طالبان و بستن پرونده یکی از خونین ترین پرونده های جنایت علیه بشریت است. آنچه اما در افغانستان در جریان است، چیزی خلاف گزارشات و اخبار میدیای غربی و ادعاهای دول غربی را به نمایش می گذارد. در دنیای دیجیتالیز امروز و به یمن اینکه هر «نفر یک رسانه»، اخبار واقعی هر روزه، نمایش تعرض افسار گسیخته، طالبها به زنان، دختران و هر انسان معترض و آزادیخواهی در گوشه و کنار افغانستان و مقاومت گسترده اجتماعی علیه این تعرض است. برخلاف ادعای دول غربی مردم افغانستان نه فقط تسلیم نشده اند، که مصمم تر از قبل علیه این طاعون سیاه و متحدین بین المللی اش، علیه توافقات دول غربی و این وحوش ایستاده اند و از خیابانهای کابل تا کنفرانس اسلو را به صحنه اعتراض و نفرت خود از طالبان و دوستان «متمدن» و غیر متمدن اش تبدیل کرده اند. هزاران «هدی خموش» ها به همراه صفی میلیونی از مردم آزادیخواه و برابری طلب افغانستان اجازه نخواهند داد که از بالای سر آنها آینده شان رقم زده شود. طالبان اگر تغییری کرده باشد، اگر عقب نشینی ای کرده باشد، نه در نتیجه تغییر ماهیت این وحوش بلکه نتیجه فشار جامعه معترض و مدعی افغانستان و مقاومت زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و ... است که سد محکمی در برابرشان ایجاد کرده است. معضل اصلی غرب اتفاقا نه از سر «دمکرات» و «متمدن» شدن یا نشدن گله وحوش طالبان بلکه اتفاقا بر سر اقتدا نکردن مردم افغانستان به طالبان و آلترناتیو و نقشه های غرب از بالای سر مردم است. امروز دیگر نه شرق کمونیستی هست که به بهانه آن بتوانند انواع گروه آدمکش را به اذهان جامعه قالب کنند و نه پدیده دیگری که توجیه گر تحمیل این جریان مرتجع و آدمکش به جامعه افغانستان باشد. بن بست استراتژیک غرب، با شعار «ایجاد دمکراسی» و شکست عمیق این پدیده عملا در افغانستان به معضل بنیادی اروپا و آمریکا تبدیل شده است. خروج از این بن بست با تحویل افغانستان به طالبهای «متمدن» و «شهری» نقشه راه دول دمکرات غرب برای خروج از این بن بست و لاپوشانی شکست سیاستهای چند ده سال گذشته شان است. اما در بطن تحولات سریع دنیا و رشد جنبشها و اعتراضات وسیع آزادیخواهانه و برابری طلبانه معادلات و فاکتورهای دخالتگر با شدت و به سرعت تغییر کرده است. بر متق چنین تحولات و معادلاتی، تحمیل گله ای شیخ پشم الدین و باندهای اسلامی به مردم با سطح توقع بالای افغانستان برای دول غرب به شدت دشوار شده است. سطح اعتراضات و مبارزات در شهرهای مختلف افغانستان و حضور وسیع زنان آزادیخواه و برابری طلب در صف مقدم مبارزه علیه تحمیل طالبان به پدیده بسیار قوی در معادلات و اوضاع موجود تبدیل شده است. قرار است با سهیم کردن روسای جریانات قومی و مذهبی در قدرت و تشکیل «دولت فرا گیر» و دمکرات، عادی شدن اوضاع در افغانستان و برقراری ثبات و آرامش و رضایت مردم از اوضاع را در بوق و کرنا کنند.

در مقابل اما وجود دریایی از اعتراض و مبارزه، وجود صفی نیرومند و بسیار وسیع به پهنای کل جامعه از زنان و مردان آزادیخواه، وجود خواستی عمیق و انسانی برای رفاه، امنیت، آسایش و برابری طلبی و ... افغانستان را به مرکز تقابل دو نیرو تبدیل کرده است. نیروی تحمیل وضع موجود و بازگرداندن مردم به دنیای کهن و سطح توقع پایین و در مقابل نیروی تغییر و تحول بنیادی و آزادیخواهانه! در کوتاه مدت با نیروی سرکوب و کشتار و ایجاد حکومت پلیسی ممکن است غرب و طالبان بتوانند خود را به مردم تحمیل کنند اما در دراز مدت با وجود فاکتورهای اعتراضی و مبارزاتی موجود چنین امری غیر ممکن خواهد بود.

غرب با رسمیت دادن به طالبان و معرفی چهره ای «متمدن و صلح جو» از آن در تلاش است که آلترناتیو خود برای آینده افغانستان را به مردم تحمیل کند و در همانحال بتواند فضای اعتراضی و مبارزاتی جامعه افغانستان را به کنترل درآورد و در ادامه نفرت عمیق مردم نسبت به یک تاریخ از تحمیل خون و کشتار و حکومت وحشت را ماستمالی و کانالیزه نماید. با توجه به نفرت عمیق مردم افغانستان با تاریخ گذشته و حال خود، که خونین بودن چنین سیاستهایی را با گوشت و پوست و استخوان لمس کرده اند و در مقابل آن صف بسته اند، بی گمان تلاش غرب در این روند «آب در هاون کوبیدن است».

## امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در

## جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن

## نقشه های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به

## شوراهای کارگری و مردمی در محل کار و زیست می زند و

## به این مکانیسم های اجتماعی قدرت متکی می شود.

## آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و

## پیشرفته ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها

## با رفتن این نظام و تنها با

## برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

در ادامه پروپاگاندای مبلغین و سخنگویان دولتی و حکومتی را دیدیم که میگفتند برنامه دولت در صورت حذف ارز ترجیحی پرداخت یارانه نقدی خواهد بود. ادعا کردند که کنترل امور را در دست دارند و به فکر معیشت مردم هستند. نقطه اوج غایب حاکمیت برای تلاش در جهت کشیدن آخرین قطره خون طبقه کارگر و تضمین سود و کار ارزان را نه در سیاه نمائی این طرح ها بلکه با اعلام خبر حداقل سطح دستمزد می توان دید. خبر از این قرار است که «حداقل حقوق سال ۱۴۰۱ معادل پنج میلیون و ششصد هزار تومان تعیین شد» تازه اگر با در نظر گرفتن سطح وسیع اعتراضات به دستمزدهای معوقه، این سطح دستمزد هم پرداخت شود!

قبل از هر چیز باید پرسید چه کسی برای کالای نیروی کار که صاحب آن نیروی مولد و طبقه کارگر است قیمت تعیین کرده؟ مثلا کدام جمع یا رهبر از کارگران، معلمان، بازنشستگان و پرستاران و ... که امروز در اکثریت قریب به اتفاق شهرهای ایران و در خیابانها به سطح معیشت معترض هستند در این تعیین سطح دستمزد دخیل بوده اند؟ بازی با این قیمت ها و اعداد را در آخر هر سال از طرف حاکمیت شاهد هستیم باید صاحب کالا یا خریدار آن تعیین کند؟ اگر برای بورژوازی فرمول تعیین نرخ کالاها در دنیای سرمایه به عهده صاحب کارخانه و کمپانی و ... تا دولت حامی آنهاست، پس بدون شک در همان حال تعیین نرخ نیروی کار هم باید به عهده صاحب آن یعنی کارگر و طبقه اش باشد و هیچ ارگان یا نهادی صلاحیت تعیین مقدار آن را بدون حضور و رای و توافق کارگران ندارد و هر نوع تعیین نرخ در این خصوص و بدون دخالت نیروی کار پوچ، بی معنی و مضحک است.

حاکمیت با حذف کارگران و مزد بگیران از این پروسه در واقع سطح دستمزد سال ۱۴۰۱ را اعلام نکرده اند بلکه سطح تعرض و حمله به معیشت و زندگی میلیونها کارگر و مزد بگیر جامعه را تعیین نمودند. جمهوری اسلامی در واقع میخواهد به زندگی در زیر خط مرگ رسمیت ببخشد.

این اعلان جنگی تمام عیار به طبقه ای است که همین امروز برای مطالبات معیشتی، رفاهی، امنیت، آزادی اعتراضاتش را روی زمین سفت و تمام قد، در برابر حاکمیت سازمان داده و صف آرائی کرده است. این سطح اعلام تعرض عریان طبقه سرمایه دار و دستگاه حکومتی، در تقابل با تمام مطالبات، خواست، و دورغای کارگران ایران است با این خیال خام که اعتراضات و مطالبات طبقه کارگر را تنزل داده و به اصطلاح مهر حکم حکومتی را بر خاموش کردن صدای مطالبه گری امروز اعتراضات وسیع و گسترده طبقه کارگر ایران بزنند. اما واقعیت این است که امروز جامعه ایران چیز دیگری در دستور دارد و دستخوش تحولات و سنگربندی های جدی و بنیادی تری است. مطالبه کارگر و معلم و بازنشسته، پرستار و اتوبوسرانان و ... در آن جامعه نه چانه زنی و گدایی کسی بالا پائین شدن حقوق زیر خط فقر و زیر خط مرگ در آن جامعه با مطالبه حذف نشدن ارزشهای چندرغاز دولت یا گدائی کوپن و یارانه نیست، این جنبش با مطالبات بنیادینی یا به عرصه مبارزه گذاشته که حاکمیت نه تاب و توان سرکوب و خفه کردن آن را دارد نه می تواند جواب اقتصادی و سیاسی به آن بدهد.

حاکمیت با اعتراضات وسیع و فراگیر جنبشهای درونی طبقه کارگری روبروست که نه فقط برای تغییر وضعیت دستمزد بلکه برای تعیین بالاترین سطح رفاه، معیشت، بهداشت، آموزش، امنیت، آسایش، آزادی و در کل تعیین نوع زندگی و حکومت آتی خود و تعیین سرنوشت خود با توسل به قدرت طبقاتی شان روبرو است و تعرض مستأصل امروز حاکمیت هم مهمل گوئی و هذیان دم مرگی برای پیدا کردن سوی امید برای بقا بیش نیست.

تلاش دائمی حاکمیت در ممانعت از تشکیل هر تشکل و سازمان و ...، ممانعت اش در متحد شدن بخش های مختلف کارگری و نهایتا سیاست حذف کارگران و نمایندگان واقعی شان، و نه جیره مواجب بگیران حکومتی، از تعیین سطح دستمزد، تلاشی برای شکست قدرت و اراده جمعی کارگران و خاموش نگاه داشتن یک طبقه چند میلیونی است. سیاست و حربه ای که مدتها است کارایی خود را از دست داده است.

برعکس مبارزه پیگیر و هر روزه طبقه کارگر با اتکا به جمع ها و اتحادها و خرد جمعی و شوراهای خود، از شمال تا جنوب و مرکز و شرق و غرب ایران نشان از صف متحد و قدرتمندی است که برای تغییرات بنیادی خیز برداشته و سر سازش با این نظام و سیاست های ریاضت و اقتناع به مرگ و فقر و رنج و سیه روزی خود و خانواده شان ندارد و نخواهد پذیرفت، مبارزه و مطالباتی که جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه می تواند جوابی برای آن داشته باشد و توان سرکوب این جنبش میلیونی را نداشته و ندارد. اگر جمهوری اسلامی فصل تعیین دستمزد را با غایب مضحک همیشگی و بدون حضور کارگران و با «اعلام جنگ به طبقه کارگر و به بخش اعظم مردمی که با فقر دست و پنجه نرم میکنند، به پایان رساند، از طرف دیگر فصل تعیین تکلیف با سرنوشت و نوع حاکمیت مرتجع اش بوسیله طبقه کارگر و بدون اجازه خودش در حال رقم خوردن است. این لشکر عظیم توده ای که برای دست یافتن به آزادی و رفاه به میدان آمده و زمین را زیر پای حاکمیت به لرزه در آورده است، این جنبش توده ای برای ساختن یک دنیای انسانی و برابر میورد که موانع رسیدن به آرزوها و امال انسانی خود را از سر راه بردارد!

## گزارشی از پیکت اعتراضی

### در لندن

#### همبستگی با اعتصاب زندانیان سیاسی در ایران

تجمع اعتراضی که امروز پنجشنبه هفتم بهمن ماه ۱۴۰۰ در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران بود به فراخوان حزب حکمتیست (خط رسمی) و دیگر احزاب و فعالان چپ برگزار شد.

این تجمع همزمان با اعتصاب برخی از زندانیان سیاسی در ایران بود که علیه عدم رسیدگی حاکمان رژیم جنایتکار اسلامی به مطالباتشان و همچنین علیه ظلم، خفقان و به بند کشیدن معلمان و فعالان در زندان ها که در غیر انسانی ترین شرایط و زیر شکنجه و فشارهای ننگین برای برحق ترین آرمان های خود مبارزه کرده اند.

معترضان حاضر در تجمع با شعارهای کوبنده ی خود خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی شده و بیش از پیش طبل رسوایی حکومت کثیف اسلامی در خارج کشور را کوبیدند.

قدمت جنایات و کشتار رژیم جمهوری اسلامی بر هیچکس پوشیده نیست و البته فشار هر چه بیشتر بر زندگی روزانه مردم در طول سالهای کربه حکومت این جانیان هر روز بیش از پیش بر مردم عیان گشته است. مبارزات گسترده آزادی خواهانه طبقه کارگر و اقشار مختلف مردمی علیه این ماشین کشتار جمهوری اسلامی مَهر محکمی بر حقارت و نداشتن صلاحیت حضور این انگل ها بر جان و مال مردم است. امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که با حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه سیاست ایران، مردم روز به روز متشکل تر و وسیعتر به میدان مبارزه با این نظام آمده اند؛ داخل و خارج ایران در این امر مشترک به هم پیوسته و متحد است.

در راستای همصدایی با فریاد آزادیخواهانه مردم ایران و مطالبات بر حق آنها برای داشتن یک زندگی بهتر در جامعه ای آزاد و برابر، حضور معترضان فعال و کمونیست ها با شعارهای پرشور در مقابل ساختمان کنسولگری رژیم فاسد جمهوری اسلامی ادامه داشت.

شعارها همچنان بر محور «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «معلم، کارگر، اتحاد اتحاد»، «زنده باد حکومت شورایی»، «زنده باد اداره شورایی»، «مرگ بر حکومت ضد زن» و حمایت از مطالبات و مبارزات مردم و آزادی بی قید و شرط کارگران، معلمان، دانشجویان و تمام زندانیان سیاسی بود. ما کمونیستها و آزادیخواهان در خارج کشور تضمین خواهیم کرد که صدای مردم مبارز ایران و طبقه کارگر و مطالبات آنان باشیم.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

کمیته لندن

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲

برابر با ۷ بهمن ۱۴۰۰

زنده باد سوسیالیسم!

بیانیه حقوق جماعتمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورای است

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena